

مہار سخن

مجموعہ شعر

شہادت قریشی نیکی



فراہد نگار

ثروت، قریشی نیاکی

عنوان و نام پدیدآور:

مجال سخن / ثروت قریشی نیاکی

مشخصات نشر: تهران: فرادیدنگار، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۲-۹۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳/۹۶ م ۲/ PIR۸۱۷۴

رده بندی دیویی: ۸۵۲/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۰۶۰۹۵



کتاب‌نگار

گروه فرهنگی انتشاراتی فرادیدنگار

خیابان سهروردی شمالی، هویزه شرقی، شماره ۴۶، واحد ۴

تلفکس: ۸۸۵۰۳۴۳۹-۴۱

مجموعه شعر

مجال سخن

✓ صفحه آرا: فیروزخانی

✓ شاعر: ثروت قریشی نیایی

✓ چاپ: گلرنگ یکتا

✓ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

✓ قیمت: ۸۰۰۰ تومان

✓ تیراژ: ۵۰۰ جلد

✓ شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۶۰۹۵

✓ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۲-۹۱-۳

✂ مرکز پخش: مؤسسه‌ی گسترش فرهنگ و مطالعات

✂ تلفن مرکز پخش: ۸۸۷۹۳۲۱۸ (۸ خط)

توجه:

کلیه‌ی حقوق این اثر متعلق به انتشارات فرادیدنگار بوده و هر گونه سوء استفاده، اعم از تبدیل به کتاب‌های الکترونیکی، کتاب‌های صوتی، CD، استفاده در سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌ها به هر شکل و ترتیب، بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و شرعاً حرام است و مطابق با بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، موجب پیگرد قانونی خواهد بود.

	فهرست
۷	پیشگفتار
۱۱	جوونی
۱۵	جان دوباره
۱۷	قسم
۲۰	صدف دل
۲۱	زندگی
۲۵	عقده‌ی دل‌وا می‌کنم
۲۸	مادر
۳۰	پدر
۳۲	تو کجایی؟
۳۳	سجده‌ی حضور
۳۴	خواب
۳۶	به تو می‌اندیشم
۳۹	امشب

۴۰		مبارک
۴۲		خونه
۴۳		معلم
۴۴		گل فروش
۴۷		دیارون
۵۰		بار سفر
۵۴		کیستم؟
۵۶		باختم
۵۷		برف
۵۸		شکرانه
۵۹		دردانه
۶۱		نقاش
۶۲		کودکان عشق را به من
۶۳		همسفر
۶۵		آی ماهی ها
۶۸		ای وای دل
۷۰		مشکن
۷۱		هراز
۷۵		صید و صیاد
۷۶		تیشه
۷۸		آسمون
۸۰		ای وای من
۸۲		ای دوستان
۸۳		گم کرده ره
۸۴		سبه چشم
۸۵		مه چه
۸۷		ایجد عشق
۸۹		سفر
۹۰		برگرد خونه
۹۲		جدایی
۹۴		مرو سفر

پیشگفتار

الهی!

شاخه‌ی خشکم، ترم گردان، برویانم، بارورم گردان، تا همه‌ی
میوه‌ام شادی، طعم‌ام همدمی، بویم آزادگی و ریشه‌ام مهر و
محبت تو گردد.

بنده‌ی آن شکرم که تو سزای آنی. شادکننده‌ی دل بندگانی. یاد
تو میان دل و زبانم و مهر تو در جانم. که تو عیش جانی.

الهی!

نسیمی دمید از باغ دوستی‌ات. دل را فدا کردم، مویی یافتم از
گنج وحدت چون فخر عالم کردم. نوری تافت از مشرق حقایق.

شیفته و شیدا جستجو کردم و ناچیز شد هر آنچه داشتم.

الهی!

از دیده‌ی من چرا نهانی؟ آنی که خود گفتی و چنانکه گفتی
آن.

اندر دل من بدین عیانی. از دیده‌ی من بدین نهانی. آخر کی بود
آن تجلی‌ی جاودانی.

الهی!

دوری و نزدیک‌تر از جانی. حاضر دل‌های ذاکرانی. امید
وجود عارفانی. آرزوی دل مشتاقانی. شاد کننده‌ی دل بندگان.
یاد تو میان دل و زبانم، مهر تو میان جانم که تو عیش جانی.

الهی!

خیالت گر چنین باشد، جمالت گو که چون باشد. آنی از
خیال عشقت را که در دیده‌ی عاشقان خاص متجلی دیدم، به آن
عشق ورزیدم و همراه با لذت تخیل عشقات به سخن آمدم و راز
دل شیدای خمار باده‌ی وصال را به گمان آوردم تا بی‌واسطه از
عشق بگویم.

ثروت قریشی نیاکی